



Analysis of the Condition of the Islamic Republic of Iran in Joining the Human Rights Documents with Respect to the Native Culture

Manoochehr Ahadifar¹, Malek Zolgadr^{2*}, Seyed Frashid Jafari³

1. Ph.D. Student of General International Law, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran.

2. Assistant Professor of Department of Political Science and International Relations, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran.

3. Assistant Professor of Department of Political Science and International Relations, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 903-920

Article history:

Received: 28 Jun 2023

Edition: 20 Sep 2023

Accepted: 16 Nov 2023

Published online: 26 Nov 2023

Keywords:

right of condition, human rights treaties, universality of human rights, indigenous culture, cultural diversity.

Corresponding Author:

Malek Zolgadr

Address:

Iran, Zanzan, Islamic Azad University, Zanzan Branch, Department of Political Science and International Relations.

Orchid Code:

0000-0002-1767-4015

Tel:

09122425461

Email:

malekezolgadr@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aims: Under the influence of globalization, two trends of universalism and at the same time relativism of human rights are proposed. The purpose of this article is to analyze the condition of the Islamic Republic of Iran in joining the human rights documents with regard to the native culture.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: Acceptance and respect for indigenous culture and cultural diversity in general means respect for human rights, and in particular, paying attention to some examples of human rights, including minority rights and cultural rights. It is even possible to consider having the right to native culture and cultural diversity as one of the basic human rights. Iran's conditional right on human rights treaties can be explained on this basis, of course, Iran's conditional right is due to its vagueness and indeterminacy, as well as its contradiction with the subject and purpose of the treaties and the violation of the general principles of treaty rights, including the principle of the impossibility of invoking domestic laws and regulations for The non-implementation of the provisions of the treaties as well as the inconsistency with the unconditional ratification of the human rights treaties are objected.

Conclusion: The correct approach is that the right of bet is detailed and specific. This means that it should be announced which part of the provisions of the human rights treaties are in conflict with which laws of Iran.

Cite this article as:

Ahadifar M, Zolgadr M, Jafari SF. Analysis of the Condition of the Islamic Republic of Iran in Joining the Human Rights Documents with Respect to the Native Culture. *Economic Jurisprudence Studies*. 2023.



تحلیل حق شرط جمهوری اسلامی ایران در پیوستن به اسناد حقوق بشر با توجه به فرهنگ بومی

منوچهر احدی فرا^۱، مالک ذوالقدر^{۲*}، سیدفرشید جعفری^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۳. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۰۳-۹۲۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۰۵

واژگان کلیدی:

حق شرط، معاهدات حقوق بشری، فرهنگ بومی، تنوع فرهنگی.

نویسنده مسئول:

مالک ذوالقدر

آدرس پستی:

ایران، زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل.

کد ارکید:

0000-0002-1767-4015

تلفن:

۰۹۱۲۲۴۲۵۴۶۱

پست الکترونیک:

malekezoqadr@gmail.com

زمینه و هدف: تحت تأثیر جهانی شدن، دو روند جهان‌شمولی و درعین‌حال نسبی‌گرایی حقوق بشر مطرح است. هدف مقاله حاضر تحلیل حق شرط جمهوری اسلامی ایران در پیوستن به اسناد حقوق بشر با توجه به فرهنگ بومی است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: پذیرش و احترام به فرهنگ بومی و تنوع فرهنگی به‌طور عام به معنی احترام به حقوق بشر و به‌طور خاص توجه به برخی از مصادیق حقوق بشر از جمله حقوق اقلیت‌ها و حقوق فرهنگی است. حتی می‌توان بر خورداری از حق داشتن فرهنگ بومی و تنوع فرهنگی را یکی از حقوق بنیادین بشر دانست. حق شرط ایران بر معاهدات حقوق بشری بر همین مبنا قابل تبیین است. البته حق شرط‌های ایران به دلیل مبهم بودن و نامعین بودن و نیز مغایرت با موضوع و هدف معاهدات و نقض اصول کلی حقوق معاهدات از جمله اصل نبود امکان استناد به حقوق و مقررات داخلی برای عدم اجرای مفاد معاهدات و نیز ناسازگاری با تصویب بدون شرط معاهدات حقوق بشری، مورد اعتراض است.

نتیجه: رویکرد درست این است که حق شرط به صورت جزئی و مشخص باشد. بدین معنی که اعلام شود کدام قسمت از مقررات معاهدات حقوق بشری با کدام قوانین ایران تعارض و مغایرت دارد.

۱. مقدمه

بشری رویکردهای متفاوتی را اتخاذ کرده است و در پذیرش تعدادی از معاهدات حقوق بشری از حق شرط استفاده کرده است. در خصوص تنوع فرهنگی و حقوق بشر پژوهش‌های متعددی انجام شده است. مجید وحید و مریم اسماعیلی فرد (۱۳۹۳) در مقاله‌ای، کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی و رویکرد جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا نسبت به آن را بررسی کرده‌اند. شبنم بشیرتاش، صابر نیاورانی و محسن محبی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای، به‌طور مقایسه‌ای رویکرد نظام بین‌المللی حقوق بشر و جمهوری اسلامی ایران نسبت به تنوع فرهنگی را تحلیل کرده‌اند. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده این است که در مقاله حاضر حق شرط جمهوری اسلامی ایران در پیوستن به اسناد حقوق بشر با توجه به فرهنگ بومی بررسی می‌شود. بر اساس آنچه گفته شد سؤال مقاله بدین شکل قابل طرح است که حق شرط جمهوری اسلامی ایران در پیوستن به اسناد حقوق بشر با توجه به فرهنگ بومی چگونه قابل تحلیل است؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا حق شرط جمهوری اسلامی ایران در زمینه معاهدات حقوق بشری مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس جایگاه حق شرط در اسناد حقوق بشری تحلیل می‌شود و در ادامه از مبانی حق شرط در زمینه معاهدات حقوق بشری بحث می‌شود.

جهان‌شمولی حقوق بشر در مقابل نسبیت‌گرایی این حقوق، تقریباً، در نظریات فلاسفه و حقوق‌دانانی چون توماس هابز و ژان ژاک روسو و بواس مطرح شده بود. و از این‌رو به اعلامیه جهانی حقوق بشر راه یافته بود. یکی از مباحث چالش برانگیز در این خصوص استفاده از حق شرط برای معاهدات و اسناد حقوق بشری است. استفاده از حق شرط در معاهدات حقوق بشری بحث برانگیز است. چرا که افراد انسانی به دلیل انسان بودن از آن منتفع می‌شوند و اساس و پایه آن اصل تساوی است؛ زیرا همه انسان‌ها از مرتبه انسانی برخوردارند. یکی از شروط اساسی برای تضمین رعایت حقوق بشر برخورداری از دولت دموکراتیک است که منبعت از اراده آزاد باشد. اعلامیه جهانی حقوق بشر مهم‌ترین منبع در برگیرنده مصادیق حقوق بشر است که زوایای مختلف حقوق انسانی را مورد توجه قرار داده است و چارچوب رفتاری دولت‌ها را تعیین می‌کند و نقش نظارتی دارد. کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر به تناسب افزایش معاهدات بین‌المللی حقوق بشری واکنش‌های متفاوتی را نشان داده‌اند و با اعمال حق شرط به دلیل ناسازگار دانستن برخی از محتوای اسناد بین‌المللی حقوق بشر با شریعت اسلامی مخالفت خود را ابراز داشته‌اند.

آنچه مسلم است امضا نکردن برخی از کنوانسیون‌های حقوق بشری از سوی کشورهایی با مذهب و فرهنگ خاص خود مانع از جهان‌شمولی واقعی و شکل‌گیری عرف عام به‌عنوان معیار اصلی حقوق بشر، شده است. جمهوری اسلامی ایران در برخورد با معاهدات مختلف از جمله معاهدات حقوق

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

پذیرش و احترام به فرهنگ بومی و تنوع فرهنگی به‌طور عام به‌معنی احترام به حقوق بشر و به‌طور خاص توجه به برخی از مصادیق حقوق بشر از جمله حقوق اقلیت‌ها و حقوق فرهنگی است. حتی می‌توان برخورداری از حق داشتن فرهنگ بومی و تنوع فرهنگی را یکی از حقوق بنیادین بشر دانست. حق شرط ایران بر معاهدات حقوق بشری بر همین مبنا قابل تبیین است. البته حق شرط‌های ایران به‌دلیل مبهم بودن و نامعین بودن و نیز مغایرت با موضوع و هدف معاهدات و نقض اصول کلی حقوق معاهدات از جمله اصل نبود امکان استناد به حقوق و مقررات داخلی برای عدم اجرای مفاد معاهدات و نیز ناسازگاری با تصویب بدون شرط معاهدات حقوق بشری مورد اعتراض است.

۵. بحث

در این قسمت ابتدا حق شرط جمهوری اسلامی ایران در پیوستن به اسناد حقوق بشر بررسی می‌شود؛ سپس دلایل مخالفت با حق شرط در معاهدات حقوق بشری تبیین می‌شود و در ادامه، فرهنگ بومی و تنوع فرهنگی به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر در راستای تبیین رویکرد جمهوری اسلامی در این خصوص تبیین و تحلیل می‌شود.

۵-۱. حق شرط جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر

قسمت «د» بند ۱ ماده ۲ عهدنامه وین ۱۹۶۹ در رابطه با حقوق معاهدات، حق شرط را چنین تعریف می‌کند: «اصطلاح حق شرط عبارت است از اعلامیه یک‌جانبه‌ای که هر کشور، تحت هر عنوان یا به هر شکل، به هنگام امضا، تصویب، قبولی یا تصدیق معاهده یا الحاق به آن صادر می‌کند و به‌وسیله آن، منظور خود را در خصوص عدم شمول یا تغییر اثر حقوقی برخی از مقررات معاهده در مورد اجرای همان معاهده نسبت به خود بیان می‌دارد». دولت جمهوری اسلامی ایران از ۲۵ معاهده بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، ۱۰ معاهده را تصویب و دو مورد را فقط امضا کرده است. از میان معاهداتی که ایران تصویب کرده است، دو معاهده با اعلام شرط و بقیه بدون قید و شرط و به‌طور مطلق پذیرفته شده‌اند. نکته مهم در بررسی رویکردهای نظری جمهوری اسلامی در پرتو آثار و جلوه‌های عملی آن‌ها این است که حاکمیت قانون به‌عنوان یکی از پایه‌های رعایت حقوق بشر در دنیای جدید، یکی از رویکردهای فکری جدی جمهوری اسلامی از ابتدا تا کنون بوده

۲۸ هماهنگی ندارد؛ ولی تا کنون مرجع صالحی که تشخیص‌اش معتبر باشد و ممنوع بودن این نوع شروط را اعلام کند، تعیین نشده است. البته فعالیت و توصیه‌های زیادی می‌شود که دولت‌ها حق شرط خود را پس بگیرند و برخی هم پس گرفته‌اند؛ ولی استقبال چندانی از این امر نشده است» (عسگری، ۱۳۹۰، ۶۷). در جمهوری اسلامی ایران مجلس شورای اسلامی کنوانسیون مزبور را در تاریخ ۱۵/۱/۱۳۸۲ طی ماده واحده‌ای با حق شرط‌های زیر تصویب کرد: «الف) جمهوری اسلامی ایران مفاد کنوانسیون مذکور را در مواردی که با شرع مقدس اسلام مغایرت نداشته باشد قابل اجرا می‌داند. ب) جمهوری اسلامی ایران خود را موظف به اجرای بند ۱ ماده ۲۹ این کنوانسیون، در خصوص حل‌وفصل اختلافات از طریق داوری و یا ارجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری نمی‌داند». ولی شورای نگهبان مصوبهٔ مجلس را تأیید نکرد و آن را مغایر با قانون اساسی و موازین شرعی اعلام کرد. با توجه به باقی بودن مجلس بر نظر خود، مصوبهٔ فوق جهت تصمیم‌گیری و اعلام نظر به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شده است (نژندی‌منش و دیگران، ۱۳۹۷، ۳۵).

۵-۱-۲. حق شرط در کنوانسیون حقوق کودک

دولت جمهوری اسلامی ایران نیز جزو دولت‌هایی است که کنوانسیون را امضا و تصویب کرده است. کنوانسیون در اول اسفندماه ۱۳۷۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در ۱۱ اسفندماه به تأیید شورای نگهبان رسید. جمهوری اسلامی ایران هنگام امضای کنوانسیون در ۵ سپتامبر ۱۹۹۰ (شهریورماه

است و در فرایندی تدریجی تلاش شده است که حتی به نام اسلام کسی خارج از مجاری قانونی نتواند عمل کند؛ ولی به‌هرحال این رویکرد نظری در صحنهٔ عمل و اجر با تفسیرهای انحرافی و بعضاً موانع و مشکلات عملی متنوع روبه‌رو شده است که در مجموع مخاطراتی را متوجه کلیت ساختار حقوقی کشور و حقوق مردم کرده است و تضادها و تعارضاتی را در صحنهٔ عملی داخل کشور دامن زده است که بالتبع هزینه‌های متنوع در عرصهٔ بین‌المللی نیز برای کشور در پی داشته است (حبیب‌زاده، ۱۳۸۳، ۱۳۱).

۵-۱-۱. حق شرط در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، اعلام حق شرط و پذیرش مشروط آن منع نشده است؛ بلکه امکان آن پیش‌بینی شده است. بند ۱ ماده ۲۸ می‌گوید: «دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام شرط دولت‌ها را دریافت و به دولت‌های عضو منتقل می‌کند». و در بند ۲ ماده ۲۸ کنوانسیون از باب احتیاط تصریح و تأکید شده است: «شرطی که با هدف و منظور کنوانسیون مغایر باشد، ممنوع است».

«تا ۱۵ فوریهٔ سال ۲۰۰۸، پنجاه دولت کنوانسیون مزبور را با حق شرط پذیرفته‌اند و برخی از آن‌ها هم شرایط ماهوی‌ای اعلام کرده‌اند که به‌حسب ظاهر در تعارض آشکار با هدف و منظور کنوانسیون است و تعداد زیادی از کشورها هم (عمدتاً کشورهای اسلامی) شروط کلی مانند عدم مغایرت با موازین اسلامی یا قوانین اساسی و قوانین داخلی اعلام کرده‌اند. که طبعاً اعلام این نوع شرط‌ها با بند ۲ ماده

گزارش خیلی چشمگیر نیست و بیشتر متمرکز بر قوانین است و اشاره‌ای به کاربرد کنوانسیون ندارد. گرچه اطلاعات موجود در پاسخ کتبی به فهرست موضوعات و در بیان شفاهی گزارش سعی کرده است که این نقیصه را برطرف نماید و به‌علاوه ایران موضوع استرداد شرط خود را که مطلقاً بر کاربرد شریعت تکیه می‌کند هنوز مورد بررسی جدی قرار نداده است» (امیدی هسجین، ۱۳۸۵، ۱۵۴).

در جایی دیگر کمیته در خصوص شرط ایران چنین اظهار نظر کرده است: «از نقطه نظر تاریخی، حقوق شیعی که قوانین ایران بر اساس آن تدوین گردیده و تا حد بسیار زیادی به آن متکی است، در جهت حمایت از حقوق کودکان از مدت‌ها پیش نوآوری - کرده است؛ اما مقررات و قواعد از آن زمان تا کنون بسیار کم تغییر کرده است. بنابراین شایسته است که کشف نماییم آیا جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد شرط خود را پس بگیرد و به قواعد حقوقی بین‌المللی که آن را پذیرفته است. این اجازه را بدهد که بر قوانین داخلی برتری داشته باشند و اینکه آیا کمیته‌ای برای این منظور تشکیل شده و دیگر اینکه آیا نتایجی در این مورد حاصل شده است؟». «در مورد شروطی که ایران در ارتباط با کنوانسیون اعمال نموده نگران است. به‌ویژه اینکه یک بدفهمی راجع به حقوق روزمره کودک را منعکس می‌سازد. کودکان چگونه می‌توانند قبول کنند که حقوق آن‌ها به وسیله شریعت محدود نشده است؟ آیا هیچ توجهی به - تشکیل کمیته‌ای برای تعیین اینکه آیا امکان پیروی از نمونه‌های سایر کشورهای اسلامی و تفسیر آزادمنشانه شریعت وجود دارد یا خیر شده است؟».

۱۳۶۹) به این شرح اعلام حق شرط کرد: «جمهوری اسلامی ایران نسبت به مواد و مقرراتی که مغایر با شریعت اسلامی باشد، اعلام حق شرط می‌نماید و این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که هنگام تصویب چنین حق شرطی را اعلام نماید». در هنگام تصویب اعلام داشته است، آن را در صورت تعارض با قوانین داخلی یا اسلامی لازم‌الرعايه نمی‌داند. متن ماده واحده مصوب مجلس شورای اسلامی چنین است: «کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود، مشروط بر اینکه مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرارگیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد». «ماده ۵۱ معاهده حقوق کودک در خصوص اعمال حق شرط، کشورهای عضو معاهده را مجاز شناخته است تا هنگام تصویب یا الحاق در معاهده، در مواردی که اصول معاهده را با منافع یا عادات و رسوم ملی و مذهبی و یا قوانین داخلی خود مغایر می‌دانند، با استفاده از قاعده حق شرط نسبت به آن موارد اعلام شرط کنند؛ مشروط بر اینکه شروط اعلام شده مغایر با اهداف و مقاصد عهدنامه نباشند. از جمله حقوق مورد قبول این عهدنامه، حضانت، حمایت‌های مادی و معنوی، تحصیل و ولایت بر کودک است» (فضائلی، ۱۳۸۲، ۴۰).

کمیته حقوق کودک در جلسه بیست و چهارم خود در ۱۶ می سال ۲۰۰۰ در خصوص گزارش ایران بدین صورت اظهار نظر کرده است: «گزارش مقدماتی همان‌طور بود که توسط کمیته مقرر شده بود؛ اما شامل اقدامات احتیاطی نیست. از لحاظ حقوقی،

هم‌چنین در جای دیگر کمیته اظهار می‌دارد: «با توجه به توصیه‌های مندرج در اعلامیه و برنامهٔ عمل کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین، لطفاً توضیح دهید که احتمالاً چه اقداماتی در رابطه با تجدید نظر و انصراف از شرط خود در پذیرش کنوانسیون انجام داده‌اید. اگر یک کمیتهٔ تجدید نظر تشکیل داده‌اید، نتایج آن را بیان کنید» (شریفیان، ۱۳۸۰، ۳۴۲).

۵-۲. حق شرط در اسناد حقوق بشری

استفاده از حق شرط از نیمهٔ دوم قرن نوزدهم نسبتاً رایج شده است و به‌خصوص در مورد عهدنامه‌های چندجانبه زیاد به‌کار برده می‌شود (عمادزاده، ۱۳۶۹، ۲۰۷). «نخستین بار فرانسه، در دوم ژوئیهٔ ۱۸۹۰ شرطی را وارد کرد که به‌موجب آن، حق بازرسی کشتی‌ها را استثنا می‌کرد، آن‌گاه در کنفرانس‌های صلح لاهه (۱۸۹۹ و ۱۹۰۷) رویهٔ شرط‌گذاری به‌طور عام مورد پذیرش قرار گرفت» (عسگری، ۱۳۹۰، ۲۵). «در معاهدات حقوق بشری، نفس امکان ایراد شرط در معاهده می‌تواند از یک‌سو مفید و در نهایت منجر به تعمیق و فراگیرتر شدن گفتمان حقوق بشر و توسعهٔ قلمرو تعهدات قراردادی در عرصهٔ جامعهٔ بین‌الملل شود و از سوی دیگر دستاویزی برای گریز از پذیرش معیارها و استانداردهای جهان‌شمولی حقوق بشری گردد» (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۲، ۳۲)، بر این اساس، دیدگاه‌های تخصصی نهادهای حقوق بشری سازمان ملل متحد در این رابطه بررسی می‌شود. «کمیتهٔ حقوق بشر به‌عنوان رکن نظارتی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در نظریهٔ عمومی شمارهٔ ۲۴ خود در خصوص رزرو در موقع الحاق یا تصویب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و

سیاسی و پروتکل‌های اختیاری اظهار نظر می‌کند» (عسگری، ۱۳۹۰، ۵۱). «گرچه کمیتهٔ مزبور ابتدائاً و بالذات مسئلهٔ شرط بر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را مدنظر داشته؛ لیکن ملاک مطرح‌شده توسط آن کمیته به نظر می‌رسد اختصاص به سند مزبور نداشته؛ بلکه قابل اعمال در تمام اسناد حقوق بشری خواهد بود» (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۲، ۴۱). «بر اساس تفسیر این کمیته، گرچه میثاق حقوق مدنی و سیاسی گونه‌ها و انواعی از شرط‌ها را منع نکرده و گونه‌هایی را نیز تجویز ننموده است، این بدان معنی نیست که هر گونه شرطی را بتوان به میثاق وارد کرد» (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۱، ۲۹). این مسئله که در پاراگراف پنجم مطرح شده است در پاراگراف ششم تشریح می‌شود. در پاراگراف ششم، کمیته به‌صراحت حق شرط بر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل اول آن را مشمول بند ۳ مادهٔ ۱۹ عهدنامهٔ وین می‌داند و معتقد است که هر گونه حق شرطی باید با هدف و موضوع معاهده سازگار باشد؛ ولی در ادامه یادآور می‌شود که میثاق و پروتکل اول هیچ‌گونه معیاری را جهت تشخیص و ارزیابی موضوع و هدف معاهده به‌دست نمی‌دهد. کمیته در پاراگراف هشتم خود بیان می‌دارد که حق شرط بر قواعد آمره و مقرراتی که مبین حقوق بین‌الملل عرفی است، ممنوع است. هم‌چنین کمیته به بیان صرف این موضوع اکتفا نکرده است؛ بلکه مصادیق مربوط به قواعد آمره و مقرراتی را که مبین حقوق بین‌الملل عرفی است نیز ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: «(۱) حق رهایی از بردگی؛ (۲) شکنجه؛ (۳) بازداشت‌های خودسرانه یا حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب؛ (۴) اصل برائت؛ (۵) ممنوعیت اعدام زنان باردار و کودکان؛ (۶) تبعیضات جنسی، نژادی و

دولت طرف معاهده را مرجع تشخیص اعتبار حق شرط می‌داند و در ماده ۲۱ نیز آثار اعتراض به آن را مورد بررسی قرار می‌دهد و همان نتیجه نظریه مشورتی را با ادله آن گرفته است. در سال ۱۹۹۴، نظریه کمیته حقوق بشر، پس از بررسی دیدگاه‌های دیوان بین‌المللی دادگستری و کنوانسیون وین در رابطه با حقوق معاهدات به این نتیجه رسید که این مقررات در رابطه با معاهدات حقوق بشری، نامناسب و ناکافی هستند و در ادامه در پاراگراف شانزدهم چنین بیان می‌دارد: «چرا که معاهدات حقوق بشری و به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مجموعه‌ای از بده بستان‌های دو جانبه و متقابل بین دولت‌ها نمی‌باشند؛ بلکه موضوع آن‌ها بهره‌مندی افراد از حقوق اساسی است. اصل روابط متقابل بین دولتی در اینجا جایی ندارد؛ مگر در خصوص مفاد ماده ۴۱ میثاق در مورد صلاحیت کمیته به بررسی شکایات دولت‌ها از یکدیگر. از آن نظر که اعمال قواعد قدیمی رزرو برای میثاق ناکافی می‌باشد، دولت‌ها اغلب هیچ‌گونه الزام قانونی را مبنی بر اعتراض به رزروها احساس نمی‌کنند. عدم اعتراض دولت‌ها به معنای مطابقت یا مغایرت رزرو با موضوع و هدف معاهده نیست. اکثر کشورها به ندرت اعتراض می‌کنند و آثار حقوقی اعتراض هم مشخص نیست. نباید این‌طور فرض شود که دولتی که اعتراض نمی‌کند بر این باور است که رزرو قابل پذیرش است. از نظر کمیته، بنابر ویژگی خاص میثاق به‌عنوان یک معاهده بین‌المللی حقوق بشری، باید دانست اعتراض چه تأثیری در روابط میان دولت‌ها خواهد داشت. به‌رحال، اعتراض به یک رزرو می‌تواند کمیته را در تفسیر مطابقت آن رزرو با موضوع و هدف میثاق، راهنمایی کند».

ملیتی؛ ۷) محرومیت از حق ازدواج در خصوص افراد بالغ؛ ۸) محروم کردن اقلیت‌ها در بهره‌مندی از فرهنگ خویش، تدریس مذهب خود و ابراز آن مذهب و یا استفاده از زبان خودشان» (رجول، ۱۳۸۴، ۱۲۶). در همین رابطه باید متذکر شد که نظریه کمیته حقوق بشر با راهنمای عملکرد در مورد حق شرط بر معاهدات کمیسیون حقوق بین‌الملل در تعارض است (حتی شاید بتوان ادعا کرد که تخصیص وارد کرده است). بدین نحو که در راهنمای عملکرد کمیسیون حق شرط بر قواعد غیر قابل تعلیق به‌طور مطلق ممنوع نشد؛ در حالی که در نظریه کمیته حقوق بشر چنین حق شرطی کامل ممنوع است. هم‌چنین، در راهنمای عملکرد کمیسیون، قواعد حقوق بین‌الملل عرفی قابل انشای حق شرط هستند؛ در حالی که در نظریه کمیته حقوق بشر چنین قواعدی قابل حق شرط نیستند. پس از بیان دیدگاه‌های دکتربین، لازم است که دیدگاه‌های تخصصی نهادهای ملل متحد نیز مورد بحث قرار گیرد. اولین نهادی که در این رابطه به‌طور صریح اظهار نظر کرده است دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی سال ۱۹۵۱ است که در پاسخ سؤال اول مجمع عمومی، دولت‌ها را مرجع تشخیص اعتبار حق شرط‌ها می‌داند و در پاسخ سؤال دوم (الف) بیان می‌دارد که اگر یک‌طرف حق شرطی مقرر کرد که به نظر طرف دیگر عهدنامه مخالف موضوع و هدف معاهده است، آن طرف می‌تواند دولت رزرو دهنده را طرف عهدنامه محسوب نکند؛ زیرا یک کشور نمی‌تواند در روابط معاهده‌ای خود، بدون رضایتش ملزم شود (ضیائی‌بیگدلی و دیگران، ۱۳۸۷، ج ۵، ۴۹). عهدنامه‌های وین در رابطه با حقوق معاهدات نیز در بند ۴ ماده ۲۰ خود مقررات مشابه نظریه مشورتی را مورد توجه قرار می‌دهد و

«به‌عنوان مثال برخی از دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق کودک شرط ایران را به‌دلیل کلی بودن آن مغایر هدف و موضوع معاهده تلقی و با آن مخالفت نموده‌اند. دولت آلمان در ۱۱ اوت ۱۹۹۵ اعلام نمود که با توجه به مبهم بودن شرط ایران، آن را مغایر با الزامات ناشی از حقوق بین‌الملل دانسته و با آن مخالف است؛ اما مخالفت آن مانع از لازم الاجرا شدن کنوانسیون حقوق کودک در روابط میان دو دولت نیست. با این وجود، منافع مشترک دولت‌ها ایجاب می‌کند که هدف و موضوع معاهداتی که عضویت آن را پذیرفته‌اند، مورد احترام باشد. دولت ایرلند نیز در ۱۹۹۵ اعلام می‌کند که حق شرط ایران این مشکل را برای دولت‌های عضو کنوانسیون به‌دنبال دارد که نمی‌دانند جمهوری اسلامی ایران کدام‌یک از مواد را نمی‌خواهد اجرا کند و بنابراین حدود و قلمرو تعهدات دولت شرط‌گذار معلوم نیست» (امیدی هاشجین، ۱۳۸۵، ۱۵۴).

شورای نگهبان برخی مواد کنوانسیون را مخالف شرع می‌داند که بعضی از آن‌ها عبارت‌اند از: بند ۱ ماده ۱۲ که به کودکی که می‌تواند به نظریات خود شکل بدهد حق می‌دهد آزادانه عقاید خود را بیان کند. بند ۱ ماده ۱۳ در ارتباط با حق آزادی بیان به‌طور مطلق برای کودک است. بند ۲ ماده ۱۳ مربوط به محدودیت‌هایی است که ممکن است بر اعمال این حق وارد شود. بند ۱ ماده ۱۴ مربوط به حق کودک در آزادی فکر، وجدان و مذهب است که مغایر شرع شناخته شده است. بند ۲ ماده ۱۵ مربوط به ایجاد محدودیت‌های قانونی به‌دلیل رعایت امنیت و سلامت ملی، نظم عمومی و ... است. بند ۱ ماده ۱۶ که مغایر با موازین شرع شناخته شده است مربوط به

تازه‌ترین سند در رابطه با حق شرط بر معاهدات، «راهنمای عملکرد در مورد حق شرط بر معاهدات» است که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۱۱ به تصویب رسید. مقررات مربوطه در این سند را با توجه به گزارش دوم مخبر ویژهٔ کمیسیون (آلن پله) در سال ۱۹۹۷ مورد بررسی قرار می‌گیرد. برعکس نظر کمیتهٔ حقوق بشر، مخبر ویژهٔ کمیسیون در گزارش دوم خود «در خصوص ماهیت غیر معارضی معاهدات حقوق بشری تأکید می‌کند که روابط متقابل در این معاهدات به‌طور کلی محو نمی‌شود؛ زیرا دولت‌ها در مقابل همدیگر تعهد می‌نمایند که از قواعد مشابه پیروی کنند» (غائبی، ۱۳۸۶، ۵۶). می‌توان چنین نتیجه گرفت که کمیسیون حقوق بین‌الملل سعی کرده است که میان دو دیدگاه سنتی و دیدگاه حقوق بشری نوعی آشتی برقرار کند.

۵-۳. دلایل مخالفت با حق شرط ایران

دلایل مخالفت با حق شرط ایران عبارت‌اند از مواردی که در ادامه بیان می‌شوند.

۵-۳-۱. کلی و مبهم حق شرط‌ها

شرط کلی، شرطی است که دامنهٔ تعهدات دولت شرط‌گذار را معین نمی‌کند و موجب بروز تردید و ابهام در روابط معاهداتی میان دولت شرط‌گذار و سایر دولت‌های عضو معاهده می‌شود. شرط کلی دامنه و حدود تعهدات کشور شرط‌گذار را معلوم نمی‌کند و در نتیجه معلوم نیست که آن دولت دقیقاً کدام دسته از تعهدات کنوانسیون را و تا چه میزان پذیرفته است و به آن ملتزم شده است (فضائلی، ۱۳۸۲، ۴۰).

«مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است.» طبق مفاد این ماده، معاهدات بین‌المللی در حکم قوانین عادی ایران هستند و تشریفات مربوط به انعقاد معاهدات بین‌المللی نیز مانند تشریفات مربوط به وضع قانون عادی است که نیاز به تصویب مجلس و امضای رئیس‌جمهور دارد. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که آن دو قاعده از حیث اعتبار حقوقی در یک سطح باشند و در صورت تعارض، قاعده مؤخر قاعدهٔ مقدم را نسخ می‌کند (موسی‌زاده، ۱۳۷۹، ۷۸). به نظر می‌رسد که نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بیشتر به نظریهٔ یگانگی حقوق با برتری حقوق داخلی نظر دارد. این نظر با توجه به شرط‌هایی که ایران به صورت کلی بر معاهدات بین‌المللی وارد کرده است، تقویت می‌شود. ایران هنگام الحاق به معاهدات حقوق بشری قائل به این حق شرط شده است که مفاد کنوانسیون در مواردی که با قوانین داخلی و موازین اسلامی معارض شود از طرف جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد. و کشورهای معترض به حق شرط ایران، یکی از دلایل اعتراض و مخالفت خود با حق شرط ایران را مخالفت و مغایرت آن با اصول حقوق بین‌الملل دانسته‌اند. گرچه در عالم نظر و تئوری در مورد حقوق بین‌الملل و مناسبات آن با حقوق داخلی، نظریات یگانگی و دوگانگی حقوقی ارائه شده‌اند؛ اما با توسعه و تکامل تدریجی حقوق بین‌الملل شرایطی فراهم آمده است که کشورها نمی‌توانند حقوق بین‌الملل و اصول و موازین آن را نادیده بگیرند؛ چه رسد به اینکه برای نقض حقوق بین‌الملل به حقوق داخلی و قوانین داخلی خود استناد کنند.

ممنوعیت دخالت در امور شخصی و خانوادگی و مکاتبات خصوصی کودک است. بدین ترتیب، دولت ایران نمی‌تواند شرط کلی خود بر کنوانسیون حقوق کودک را هم‌چنان حفظ کند؛ در حالی که مغایرت آن با موضوع و هدف کنوانسیون آشکار است؛ بلکه باید با انصراف جزئی از شرط کلی و تعدیل آن به تعهدات بین‌المللی خود در این زمینه عمل کند.

۵-۳-۲. نقض اصل برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی

مطابق نظریهٔ یگانگی حقوقی با تقدم و برتری حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل در نظام حقوقی مبتنی بر سلسله مراتب، مقامی فراتر از حقوق داخلی دارد. در این نظریه، حقوق داخلی ناشی و مشتق از حقوق بین‌الملل و در نتیجه تابع آن است. گرچه بر این نظریه انتقاداتی وارد شده است؛ اما برخلاف این انتقادات امروزه، برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی طبق رویهٔ بین‌المللی و رفتار عمومی کشورها امری مسلم و حتمی شناخته شده است. برای مثال دیوان دائمی دادگستری در نظریهٔ مشورتی خود در قضیهٔ مبادلهٔ اتباع یونانی و ترک مورخ ۲۱ فوریهٔ ۱۹۲۵، برتری حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی را مورد تأکید و تأیید قرار داده است. در قانون اساسی ایران، تنها در اصول ۷۷ و ۱۲۵ به موضوع معاهدات بین‌المللی اشاره شده است که از این دو اصل نمی‌توان دربارهٔ جایگاه حقوق بین‌الملل در نظام حقوقی ایران به نتیجه رسید. در واقع مسئلهٔ برتری حقوق داخلی بر حقوق بین‌الملل یا برعکس مسکوت مانده است. مادهٔ ۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد:

۵-۴-۱. فرهنگ بومی، تنوع و نسبییت فرهنگی

فرهنگ بومی و تنوع فرهنگی در قالب نظریهٔ نسبییت فرهنگی قابل تبیین است. نسبییت فرهنگی نظریه‌ای است که اعتقادات و رفتارهای هر شخص را در شرایط فرهنگ خاص آن شخص قابل‌درک می‌داند. به بیان دیگر: «یک فرهنگ را باید بر پایهٔ قواره و موازین خود آن فرهنگ ارزیابی کرد» (هویلند، ۱۳۸۲، ۳۱). «فرانتس بواس، انسان‌شناس معروف قرن بیستم، بنیان‌گذار مکتب نسبییت‌گرایی فرهنگی بود» (پارسا، ۱۳۸۰، ۶۱). وی این امر را به‌عنوان اصلی بدیهی در تحقیقات خود پنداشت و بیان داشت: «تمدن چیز مطلق نیست، بلکه نسبی است و ... ایده‌ها و تصورات ما فقط تا آنجا که به تمدنمان می‌رود، صحیح هستند» (فرانتس، ۱۸۸۷، ۵۸۹). البته باید دانست که بواس اصطلاح نسبییت‌گرایی فرهنگی را استفاده نکرده بود و این اصطلاح توسط شاگردانش ابداع شده است. واقعیت گونه‌گونی مذاهب، سنت‌های فرهنگی و ساختارهای سیاسی کشورهای مختلف، تعیین تعریف واحدی از یک نظام مشخص و منسج حقوق بشر را که بتواند سنت‌ها، مذاهب و ساختارهای سیاسی و فرهنگی خاص کشورهای مختلف را در برگیرد، بسیار دشوار و شاید غیر ممکن نکرده است. از این منظر همهٔ حقایق و واقعیات حیات جمعی، در بستر اجتماعی، فرهنگ و تاریخ خاص به منصفهٔ ظهور رسیده‌اند و در پرتو اهداف و مضمون خاص خود تابع زمان مخصوص به خود هستند. در این راستا با همهٔ ادعاهای مربوط به جهان‌شمولی حقوق بشر باید با حزم و احتیاط برخورد کرد (شریفی طرازکوهی، ۱۳۸۸، ۲۸۵).

۵-۳-۳. مغایرت با هدف و موضوع معاهده

برای درک موضوع و هدف هر معاهده‌ای باید به متن آن رجوع کرد. مهم‌ترین هدفی که در اکثر معاهدات حقوق بشری در نظر گرفته شده است، تساوی بین ابنای بشر بدون هیچ‌گونه تبعیض از نظر رنگ، نژاد، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی، جایگاه اجتماعی یا ملی، تولد و یا سایر خصوصیات است. از قضا همین موضوع تساوی بین ابنای بشر بدون توجه به نژاد، مذهب و جنسیت و ... از اولین موارد ناسازگاری شرط ایران با هدف و مقصود معاهدات بشری است. در حق شرط ایران بر معاهدات بشری آمده است که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد. هدف تدوین‌کنندگان معاهدات حقوق بشری از الحاق کشورها به چنین معاهداتی، پذیرش موضوع، هدف و اجرای مقررات و تعهدات اساسی آن معاهدات است. آن‌ها هم‌چنین الحاق کشورها به چنین معاهداتی را با حق شرط می‌پذیرند مشروط بر آنکه حق شرط آن‌ها کلی، مبهم و ناقص و ناسازگار با هدف و موضوع معاهده نباشد (طاهری شمیرانی، ۱۳۷۸، ۱۲۹).

۵-۴-۴. مبنای حق شرط‌های جمهوری اسلامی

ایران در خصوص معاهدات حقوق بشری

در این قسمت مبنای حق شرط‌های جمهوری اسلامی ایران در خصوص معاهدات حقوق بشری بررسی می‌شود.

جامعه جهانی است (اسپیل، ۱۳۸۲، ۲۵۷). جهان امروز از فرهنگ‌های متنوع و متخالف تشکیل شده است. اصولاً ماهیت جوامع انسانی به دلیل حضور عنصر انسانی در آن اقتضای تنوع و تکثر دارد. هم-چنین نمی‌توان از این نکته غفلت کرد که این فرهنگ‌ها هر کدام ممکن است باورها، ارزش‌ها، هنجارها و آداب و رسوم خاص خود را داشته باشند. «از این جهت است که برخی از اندیشمندان، حقوق جهان‌شمول بشر را از دستاوردهای تمدن نوین بشری می‌دانند و ادعای آن دسته از کسانی که آن را متعلق به یک فرهنگ خاص می‌دانند را رد می‌کنند. در حقیقت، اینان قائل‌اند که حقوق بشر ترجمان حقوقی حق‌های اخلاقی است که در تمامی فرهنگ‌ها مشترک است و یا حداقلی از حمایت را دارا هستند و از طرفی این‌ها حق‌هایی هستند که تمامی فرهنگ‌ها در سایه حمایتی آن‌ها رشد و نمو می‌نمایند» (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ۱۵۸). شاید به همین دلیل است که ژان موزی تلی، از اعضای گروه کارشناسان بین‌المللی که در تهیه متن کنوانسیون حمایت و ارتقای تنوع فرهنگی مصوب ۲۰۰۵ همکاری داشتند، از تنوع فرهنگی با عبارت «یک حق کاملاً آشکار و بدیهی» یاد می‌کند. حقی که پایه پیشرفت فرهنگی و سیاسی می‌شود (موسویان و دیگران، ۱۳۸۷، ۹۸). لازمه تکثر فرهنگی، به معنای تخالف هنجاری و ارزشی فرهنگ‌ها که مورد ادعای مخالفان جهان‌شمولی حقوق بشر است، وجود نظام-های اخلاقی نه‌تنها متنوع که متخالف در جوامع مختلف است. این بدان معنا است که رفتار یا هنجارهای خاص ممکن است، در جامعه‌ای درست و در جامعه‌ای دیگر نادرست تلقی شود. نتیجه آنکه برخی از هنجارهای حقوق بشر در برخی از کشورها

آنچه واقعیت دارد این است که فرهنگ واحدی بر جهان امروزی حاکم نیست. در نتیجه، مقتضای جهان چند فرهنگی کثرت و نسبیّت در محدودیت‌ها است. تضاد درونی نظریات رایج جهان‌شمولی حقوق بشر که به آن اشاره کردیم در همین نکته است که به اسم حقوق بشر می‌خواهند همه یک‌جور بیندیشند. چنین ایده‌ای بیشتر به جهانی‌سازی حقوق بشر شبیه است تا جهان‌شمولی آن. گویی فراموش می‌شود در عرصه عمل و واقع‌گرایی، هیچ فرهنگی بهتر از دیگری نیست (پری، ۱۳۸۰، ۶۶۱). در اینجا لازم است تا به برخی از واقعیات جهان معاصر اشاره شود: «در جهان امروز، تنوع فرهنگی یک ضرورت برای حیات جامعه جهانی است؛ زیرا ارزش‌های حقوق بشر مختص به یک تمدن یا تاریخ خاص یک کشور و یا یک فرهنگ نیست؛ بلکه به‌مثابه آرمانی جهانی است که ناشی از کرامت انسان و متعلق به تمامی بشریت است» (بیگزاده، ۱۳۸۴، ۱۲۴). در جهان معاصر، جهانی شدن یک فرآیند به حساب می‌آید که نه مثبت است و نه منفی؛ بلکه بستگی به توان انطباق کشورها با آن دارد (رحمت‌الهی، ۱۳۸۴، ۹۲). «این روند ضمن کاهش قدرت دولت‌ها و برداشتن مرزهای ملی باعث استقلال فرهنگ از حوزه دولت می‌گردد و در نتیجه موجبات دادوستد و تعامل میان فرهنگ‌ها را فراهم می‌آورد که از یک نظر به حاکمیت یک فرهنگ منجر می‌گردد و از زاویه‌ای دیگر به بالندگی و تعامل فرهنگ‌ها کمک می‌کند» (رحمت‌الهی، ۱۳۸۴، ۹۹). (۳) مسئله مهم آن است که عدم پذیرش جهان‌شمولی قواعد حقوق بشر منجر به عدم ثبات و عدم کارایی این قواعد و هنجارها می‌شود که هدفش تضمین و حمایت از کرامت، حقوق و آزادی‌های اساسی انسان‌ها در کل

در کرامت انسان نهفته است» (اسپیل، ۱۳۸۲، ۲۳۸).
 «۱۷۱ کشور در اعلامیه و برنامهٔ اقدام وین اعلام کردند تأمین حقوق بشر «وظیفهٔ مشروع جامعهٔ بین‌المللی» شده است و تمامی حقوق بشر، جهانی، غیر قابل تفکیک، وابسته به هم و مرتبط هستند» (مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، ۱۳۸۸، ۲۳۶).

در مادهٔ اول این اعلامیه، جهان‌شمولی حقوق بشر چنین مورد توجه قرار گرفته است: «کنفرانس جهانی حقوق بشر بر التزام رسمی کلیهٔ دولت‌ها برای ایفای تعهدات خود از جهت گسترش احترام جهانی و رعایت و حمایت از کلیهٔ حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همهٔ طبق منشور ملل متحد، سایر اسناد مربوط به حقوق بشر و حقوق بین‌الملل تأکیدی دوباره دارد. سرشت جهانی حقوق و آزادی‌های مزبور قابل بحث و تردید نیست ... حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، حقوق مادرزادی کلیهٔ افراد بشر و صیانت و پاسداری از آن‌ها نخستین وظیفهٔ دولت‌ها است». بعد در مادهٔ ۲۰ در کنار تضمین احترام به حقوق بشر بحث تنوع فرهنگی را گوشزد می‌کند: «با توجه به اهمیت تحکیم و حمایت از حقوق اقوام بومی و نقش این تحکیم و حمایت در ثبات سیاسی و اجتماعی کشورهای محل زندگی این اقوام، کشورها باید با رعایت حقوق بین‌الملل اقدامات مؤثر و هماهنگی در جهت تضمین احترام به کلیهٔ حقوق بشر و آزادی‌های اساسی همهٔ اقوام بومی بر پایهٔ برابری و عدم تبعیض معمول داشته و ارزش و تنوع هویت‌ها، فرهنگ‌ها و ساختار اجتماعی متفاوت آن‌ها را به رسمیت بشناسند».

قابل اعمال است و در برخی از کشورها قابل اعمال نیست و حتی ممکن است که نقض برخی از هنجارهای حقوق بشر نیز ارزش تلقی شود، نتیجه‌ای که حتی دولت‌ها نیز آن را نپذیرفته‌اند.

۵-۴-۲. فرهنگ بومی و تنوع فرهنگی جزئی از حقوق بشر

سازمان ملل متحد در راستای تشویق و پیشبرد احترام به حقوق بشر، کنفرانس‌های جهانی در مناطق مختلفی از جهان تشکیل داده است. اولین کنفرانس در تهران در ۱۳ می ۱۹۶۸ برگزار شد. حاصل این کنفرانس اعلامیهٔ تهران بود که در بند ۲ بیان می‌داشت: «اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر بیانگر اعتقاد مشترک کلیهٔ ملل عالم به حقوق غیر قابل انتقال و غیر قابل نقض و ذاتی تمامی اعضای خانوادهٔ بشری می‌باشد و برای کلیهٔ اعضای جامعهٔ جهانی ایجاد تکلیف می‌کند». در این کنفرانس «جهان‌شمولی حقوق بشر» مورد تأکید و تصدیق قرار می‌گیرد؛ ولی ویژگی‌های ملی، منطقه‌ای و فرهنگی بیان نمی‌شود (البته با توجه به زمان برگزاری آن می‌توان بیان داشت که این کنفرانس با توجه به دورهٔ استعمارزدایی، هم‌وغم خود را معطوف به ویژگی جهان‌شمولی حقوق بشر کرده است و سعی در تأکید صرف بر این ویژگی کرده است). دومین کنفرانس در سال ۱۹۹۳ در وین برگزار شد حاصل این کنفرانس نیز یک اعلامیه و یک برنامهٔ اقدام بود. «اعلامیهٔ وین ابتدا به نتیجهٔ روندی که توسط حقوق بین‌الملل مربوط به حقوق بشر انجام شده بود اشاره می‌کند؛ سپس اعلام می‌دارد که مبنای مشترک این حقوق

در مجموع می‌توان نتایج حاصل از اعلامیه را در سه مورد خلاصه کرد: «آن‌ها (۱) کرامت را مبنای مشترک حقوق بشر اعلام می‌دارند. (۲) ویژگی جهانی حقوق بشر را اعلام می‌کنند. (۳) ضمن دفاع از این اصول، ضرورت جهانی لحاظ نمودن ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای و حتی تنوع تاریخی، فرهنگی و مذهبی را می‌پذیرند» (پارسا، ۱۳۸۶، ۴۱). این اعلامیه ویژگی جهان‌شمولی حقوق بشر را با ضرورت توجه به تنوع فرهنگی مورد توجه قرار داده است. به بیان دیگر، جهان‌شمولی حقوق بشر به‌عنوان اصل مورد توجه قرار گرفته است؛ ولی دولت‌ها وظیفه دارند که در کنار تضمین احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی، تنوع فرهنگی را بدون تبعیض و بدون آنکه به قواعد حقوق بشر لطمه‌ای وارد کند، اجرا کند. در رابطه با مفهوم تنوع فرهنگی باید اذعان داشت که بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون حمایت و ترویج تنوع جلوه‌های فرهنگی مصوب ۲۰ اکتبر ۲۰۰۵ پاریس بیان می‌دارد که: «تنوع فرهنگی به راه‌های گوناگونی منسوب است که در آن‌ها فرهنگ‌های گروه‌ها و جوامع تجلی می‌یابند. این تجلیات در درون و میان گروه‌ها و جوامع رایج شده‌اند. اسناد مربوط به یونسکو از جمله اسناد حقوق بشری است که فرهنگ بومی و تنوع فرهنگی را به عنوان جزئی از حقوق بشر مورد حمایت قرار داده است.» «یونسکو در ۱۹۴۶ ایجاد شد تا صلح جهانی پایدار بر اساس هم‌بستگی معنوی و اخلاقی نوع بشر به وجود آورد. حوزه‌های فعالیت آن آموزش و پرورش، علوم طبیعی، علوم اجتماعی و انسانی و فرهنگ و ارتباطات است» (مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، ۱۳۸۸، ۵۱).

در پیش‌گفتار سند مؤسس این سازمان هم‌بستگی معنوی و اخلاقی بشریت که مبتنی بر کرامت انسان‌ها بدون تبعیض است، مطرح می‌شود. هم‌چنین در ماده اول، یکی از اهداف اصلی این سازمان «تضمین رعایت جهانی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» بدون تبعیض است. هم‌چنین هم‌زمان در همین ماده، تنوع خلاق فرهنگ‌های دولت‌های عضو مورد تأکید قرار گرفته است. با توجه به سند مؤسس این سازمان می‌توان دریافت که این سازمان نیز محور و اصل را بر جهان‌شمولی حقوق بشر قرار داده است، اما در کنار آن و هم‌زمان مسئله فرهنگ‌ها را نیز مطرح می‌کند و در پی راهی برای توسعه و تکامل روابط این دو نهاد است. «یونسکو در قلمرو فرهنگ اعم از همکاری دولت‌ها و تنوع آن‌ها اسناد مهمی هم‌چون «اعلامیه اصول همکاری فرهنگی بین‌المللی» در ۴ نوامبر ۱۹۶۶ و «اعلامیه جهانی یونسکو در مورد تنوع فرهنگی» در ۲ نوامبر ۲۰۰۱ (بیگزاده، ۱۳۸۴، ۱۱۴-۱۱۵) و «کنوانسیون جهانی تنوع جلوه‌های فرهنگی» را در سال ۲۰۰۵ به تصویب رساند.

اعلامیه اصول همکاری فرهنگی بین‌المللی با تفکر جهان‌شمولی آغاز می‌شود و «اعلام می‌دارد که کلیه فرهنگ‌ها دارای کرامت و ارزش هستند که باید مورد احترام و حمایت قرار گیرند (ماده ۱۳) و تنوع آن‌ها و اثر متقابلی که بر یکدیگر دارند سبب می‌شود که کلیه فرهنگ‌ها بخشی از میراث مشترک بشریت را تشکیل دهند» (ماده ۱ بندهای ۱ و ۳ (اسپیل، ۱۳۸۲، ۲۴۲-۲۴۳). در اصل این اعلامیه مبانی خود را از اعلامیه جهانی حقوق بشر (پیش‌گفتار، بند ۶) می‌گیرد و لزوم شناساندن نظرات برای مبارزه با «بی‌اطلاعی از شکل زندگی و آداب و سنن ملت‌ها» را مطرح

حقوق بشر حرکت می‌کند؛ ولی درعین حال با شناسایی تنوع فرهنگی به‌عنوان میراث مشترک بشریت، درک کردن و ارزش نهادن بر تنوع فرهنگی را امری ضروری و لازمهٔ توسعهٔ پایدار می‌دانند. واقعیت کثرت‌گرایی فرهنگی جهان کنونی، به‌خوبی نشانگر عدم مطلوبیت و امکان‌ناپذیری یکسان‌گردانی سیاسی و مدیریت شبیه‌سازی است.

۶. نتیجه

بحث میان جهان‌شمولی حقوق بشر و ارتباط آن با تنوع فرهنگی از مباحث چالش برانگیز است که متأسفانه جامعهٔ بین‌المللی تا کنون از پاسخ‌دهی به این مباحث عاجز مانده است؛ اما به نظر می‌رسد با بررسی‌های اسناد جهانی در خصوص حقوق بشر و با توجه به ویژگی‌های آن بتوان گفت که حقوق بشر در مبنا و منشأ وجودی جهان‌شمول است؛ اما در اعمال و اجرا مبتنی بر واقعیاتی بیرون از سرشت آن و شاید هم مربوط به اقتضائات زندگی اجتماعی است که در نهایت از فرهنگی به فرهنگی دیگر متفاوت است. در بسیاری از معاهدات بین‌المللی حقوق بشری، اعلام حق شرط برای دولت‌ها به‌هنگام تصویب یا الحاق یعنی محدود کردن میزان تعهد، پیش‌بینی و مجاز دانسته شده است. هدف تدوین‌کنندگان معاهدات حقوق بشری از الحاق کشورها به چنین معاهداتی، پذیرش موضوع، هدف و اجرای مقررات و تعهدات اساسی آن معاهدات است. آن‌ها هم‌چنین الحاق کشورها به چنین معاهداتی را با حق شرط می‌پذیرند مشروط بر آنکه حق شرط آن‌ها کلی، مبهم و ناقض و ناسازگار با هدف و موضوع معاهده نباشد.

می‌کند (پیش‌گفتار، بند ۵) (بیگزاده، ۱۳۸۴، ۱۲۵). بنابراین، این اعلامیه، نه تنها بر جهان‌شمولی حقوق بشر تأکید می‌کند؛ بلکه با شناسایی تنوع فرهنگی‌ها به‌عنوان میراث مشترک بشریت و درک کردن و ارزش نهادن آن‌ها را امری ضروری دانسته است.

اعلامیهٔ جهانی یونسکو در مورد تنوع فرهنگی نیز پای‌بندی خود را به جهان‌شمولی حقوق بشر حفظ ده اسکرته و حتی در مادهٔ ۵ اعلامیه دوباره جهان‌شمولی، تجزیه‌ناپذیری و وابسته بودن به یکدیگر را متذکر می‌شود. اما آنچه در این اعلامیه بسیار مهم است، بحث تنوع فرهنگی و رابطهٔ آن با حقوق بشر است. بر طبق مادهٔ ۴ اعلامیه، «دفاع از تنوع فرهنگی، یک الزام اخلاقی است که از اصل احترام به شأن انسانی جدا نمی‌باشد». درعین حال و برای نشان دادن مقام و مرتبت هر یک از این دو نهاد در ادامه می‌آورد: «هیچ‌کس نباید با توسل به تنوع فرهنگی، حقوق بشر مورد حمایت حقوق بین‌الملل را نقض نموده و یا قلمرو آن را محدود نماید». هم‌چنین در ابتدای مادهٔ ۵ اعلام می‌دارند «حقوق فرهنگی، جزء مکمل حقوق بشر... می‌باشد». بنابراین اولین سند بین‌المللی که به‌طور صریح و روشن به مسئلهٔ رابطهٔ تنوع فرهنگی و جهان‌شمولی حقوق بشر اشاره می‌کند همین سند است. باید توجه داشت که یونسکو اسناد دیگری نیز در رابطه با مسائلی هم‌چون بردباری، مسئولیت‌های نسل‌های حاضر نسبت به نسل‌های آینده و ... به تصویب رسانده است که در آن‌ها چه صریح و چه ضمنی ویژگی جهان‌شمولی بشر را مورد تأکید قرار داده است. در انتهای این قسمت به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان یادآور شد که به‌طور کلی نظام ملل متحد بر اساس جهان‌شمولی

برخی از قوانین و مقررات حکومتی را که مغایر موازین شرعی نیستند و نیز الزاماً بر مبنای احکام اسلامی تصویب نشده‌اند، مجدد بررسی کرد اگر چنانچه مقررات معاهدات حقوق بشری در این مورد بهتر و برتر باشد، مقررات داخلی را اصلاح کرد. برخی از قوانین نیز هستند که بر مبنای احکام فقهی و فتاوی‌ای علما تنظیم شده‌اند و در مورد آن‌ها بین فقها اختلاف نیز وجود دارد در این موارد هم می‌توان آن‌ها را اصلاح کرد؛ البته اگر مغایر و مخالف با مسلمات شرعی نباشد. برخی از قوانین نیز مبتنی بر احکام مسلمة شرعی هستند که تا ابد غیر قابل تغییر هستند. در این مورد نمی‌توان کار انجام داد و قانونی را اصلاح کرد. در این مورد باید به تبیین و توضیح حکمت چنین قوانین و احکامی پرداخت؛ پس باید نتیجه گرفت که دولت جمهوری اسلامی ایران تا جایی که ممکن است نسبت به قوانین نوع اول و دوم، از خود انعطاف نشان دهد و مفاد معاهده را در آن مورد بپذیرد؛ اما در مورد قوانین نوع سوم که غیر قابل تغییر هستند حق شرط خود را حفظ کند. به این صورت که حق شرط خود را به صورت جزئی و مشخص بیاوریم و اعلام کنیم کدام قسمت از مقررات معاهده با کدام قوانین ایران تعارض و مغایرت دارد.

۷. سهم نویسندگان

در نوشتن این پژوهش همه نویسندگان به یک اندازه مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

به‌طور کلی در معاهدات حقوق بشری در صورت اعمال حق شرط توسط کشورها دو حالت وجود دارد؛ اول اینکه اگر بر بعضی از مواد کنوانسیون اعمال حق شرط منع شده باشد کشورها مجاز به استفاده از شرط در مورد این مواد نیستند و در صورت نادیده گرفتن این موضوع و اعمال شرط در خصوص این-گونه مواد عضویت آن‌ها در آن معاهده حقوق بشری با مشکل مواجه خواهد شد. دیگر آنکه در صورتی که اعمال شرط در آن معاهده منع نشده باشد، موضوع از دو نظر قابل بررسی است. اول آنکه خود کنوانسیون یا معاهده حقوق بشری مرجعی را برای تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت شرط‌های اعمال‌شده با موضوع و هدف معاهده پیش‌بینی کرده باشد که در این صورت نظر آن مرجع که معمولاً ارکان نظارتی هستند، مد نظر قرار می‌گیرد. دوم آنکه چنانچه مرجعی از سوی معاهده حقوق بشری برای انطباق رزروهای اعمال‌شده با موضوع و هدف معاهده تعیین نشده باشد همه کشورهای عضو چنین معاهده‌ای برای این کار صالح هستند که در این صورت صرف پذیرفتن حق شرط از سوی یکی از کشورهای عضو معاهده اولاً کشور شرط‌گذار بدین طریق به عضویت معاهده در می‌آید، دوماً این دو کشور در مقابل هم طرف معاهده محسوب می‌شوند. در مواردی که ایران با شروط کلی عدم مغایرت مفاد معاهده با شرع و مقررات داخلی که منشأ و مشروعیت خود را از شرع گرفته‌اند، به این معاهدات پیوسته‌اند، با واکنش و اعتراض کشورهای غربی مواجه شده‌اند. با این حال آن‌ها اعلام کرده‌اند که اعتراض آن‌ها مانع اجرای معاهده بین آن‌ها و کشورهای شرط‌گذار بدون استفاده از حق شرط نخواهد بود. راهکار این است که در مورد قوانین قائل به تفکیک شد. بدین ترتیب که

منابع

فارسی

- حبیب‌زاده، توکل، «جمهوری اسلامی ایران و حق شرط بر معاهدات بین‌المللی حقوق بشر»، مجلهٔ دین و ارتباطات، شمارهٔ ۲۴، زمستان ۱۳۸۳.

- رجول، کاترین، «حق شرط بر معاهدات و تفسیر کلی شمارهٔ (۵۲) ۲۴ کمیتهٔ حقوق بشر»، ترجمهٔ توکل حبیب‌زاده، مجلهٔ حقوقی خدمات حقوقی بین‌المللی، شمارهٔ ۳۲، ۱۳۸۴.

- رحمت‌الهی، حسین، «جهانی‌شدن و تأثیر آن بر هویت‌های قومی و ملی»، مجلهٔ اندیشه‌های حقوقی، شمارهٔ ۸، ۱۳۸۴.

- شریفی طرازکوهی، حسین، «روندهای سیاسی و فرهنگی در فرآیند جهانی‌شدن حقوق بشر»، مجلهٔ حقوق، شمارهٔ ۴، ۱۳۸۸.

- شریفیان، جمشید، «بین‌المللی‌شدن حقوق بشر»، فصلنامهٔ سیاست خارجی، سال پانزدهم، شمارهٔ ۳، پائیز ۱۳۸۰.

- ضیائی بیگدلی، محمدرضا و همکاران، آرا و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷.

- طاهری شمیرانی، صفت‌الله، «حق شرط بر معاهدات»، مجلهٔ سیاست خارجی، سال سیزدهم، شمارهٔ ۱، بهار ۱۳۷۸.

- عسگری، پوریا، حق شرط بر معاهدات حقوق بشری، چاپ اول، تهران، نشر مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰.

- عمادزاده، محمدکاظم، «استفاده از حق شرط در معاهدات بین‌المللی»، مجلهٔ حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شمارهٔ ۸، ۱۳۶۹.

- اسپیل، هکتورگروس، «جهان‌شمولی حقوق بشر و تنوع فرهنگی»، ترجمهٔ ابراهیم بیگ‌زاده، مجلهٔ تحقیقات حقوقی، شمارهٔ ۳۸، ۱۳۸۲.

- امیدوی هاشجین، محمدرضا، کنوانسیون حقوق کودک و حق شرط ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات همای دانش، ۱۳۸۵.

- بشیرتاش، شبیم؛ نیاورانی، صابر؛ محبی، محسن، «تحلیل مقایسه‌ای رویکرد نظام بین‌المللی حقوق بشر و جمهوری اسلامی ایران نسبت به تنوع فرهنگی»، مجلهٔ مطالعات سیاسی، شمارهٔ ۴۹، پاییز ۱۳۹۹.

- بیگ‌زاده، ابراهیم، «تأملی بر تنوع فرهنگی در حقوق بین‌الملل»، سالنامه ایرانی حقوق بین‌الملل و تطبیقی، شماره اول، ۱۳۸۴.

- پارسا، علیرضا، «رویاری جهان‌گرایی و نسبیت-گرایی فرهنگی: چالش پایدار حقوق بشر»، نشریهٔ اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال پانزدهم، شمارهٔ ۱۶۶، خرداد و تیر ۱۳۸۰.

- پارسا، علیرضا، «رؤیاری جهان‌گرایی و نسبیت‌گرایی فرهنگی (چالش پایدار حقوق بشر)»، نشریهٔ اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره یکصد شصت و پنجم و یکصد و شصت و ششم، ۱۳۸۰.

- پری، مایکل، آیا حقوق بشر جهانی است (چالش نسبی‌گرا و موضوعات مرتبط)، ترجمهٔ حسین شریفی طرازکوهی، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.

اشکال هر گونه تبعیض علیه زنان در چارچوب نظام حقوقی حق شرط و موازین مرتبط به آن»، پژوهش - نامه حقوق بشری، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۹۷.

- وحید، مجید؛ اسماعیلی‌فرد، مریم، «کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی و رویکرد جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا نسبت به آن»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۳.

- هولیند، ویلیام ا، «انسان‌شناسی فرهنگی»، ترجمه منصورگودرزی، نشریه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، شماره ۲۲، ۱۳۸۲.

لاتین

- Franz, Boas, *Museums of Ethnology and their Classification*, Ninth edition, out of place, publication Science, 1887.

- غائبی، محمدرضا، «تنوع فرهنگی راه برون‌رفت از بن‌بست نزاع جهان‌شمولی و نسبی‌گرایی حقوق بشر»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌ویکم، زمستان ۱۳۸۶.

- فضائی، مصطفی، شروط غیر معتبر و آثار حقوقی آن در کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، چاپ اول، تهران، نشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۲.

- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، «معاهدات حقوق بشری فضایی متفاوت»، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۸، ۱۳۸۲.

- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، حقوق بشر در جهان معاصر (دفتر یکم)، چاپ اول، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۸.

- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، «قلمرو حق‌ها در حقوق بشر معاصر: جهان‌شمولی در قبال مطلق - گرایی»، مجله نامه مفید، شماره ۳۳، بهمن ۱۳۸۱.

- مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، سازمان ملل متحد در دنیای امروز، ترجمه علی ایثاری کسمایی، چاپ اول، تهران، نشر آبارون، ۱۳۸۸.

- موسویان، حسین؛ گلشن‌پژوه، محمدرضا، حقوق بشر (روندها و نظرها)، چاپ اول، تهران، انتشارات اندیشه برتر پویا، ۱۳۸۷.

- موسی‌زاده، رضا، حقوق معاهدات بین‌المللی، چاپ سوم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۹.

- نژندی‌منش، هیبت‌الله؛ داورپور، سارا، «حق شرط کشورهای اسلامی و اروپایی بر کنوانسیون رفع